

تاریخ دریافت : ۹۶/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش : ۹۶/۱۱/۳۰

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Contemplation on Meaning Process of Historical Complex of Qazvin Saad-alsaltaneh and its Present Identity Reading from the View of Phenomenology
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تاملی بر فرآیند معناپردازی مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین و خوانش هویت کنونی آن از منظر پدیدارشناسی*

نوشین سخاوت دوست**
فریبا البرزی***

چکیده

نگرش معناگرایانه به فضای معماری و واکاوی لایه‌های مختلف ذهنی و عینی آن از موضوعات حایز اهمیت در حوزه مطالعات معماری است. از میان روش‌های فکری و فلسفی موجود با قابلیت بررسی عمیق معنا‌مندی فضای معماری، رویکرد پدیدارشناسانه به مکان با گستره‌ای وسیع در شناخت پدیده‌ها است که با در نظر داشتن مفهوم مکان و محوریت نقش انسان و تجارب او در درک فضای معماری، تأثیر بسزایی در خوانش صحیح مکان دارد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر با به کار بردن روش پدیدارشناسی در یافتن ارتباط میان بازتاب معانی محیط تاریخی و هویت آن خوانشی از مجموعه تاریخی سعدالسلطنه صورت گرفته است. این مجموعه تاریخی با عنوان کاروانسرا در عصر صفوی کاربرد داشته و در چند سال اخیر به دنبال بازسازی‌های صورت گرفته در قالبی بدیع و به عنوان فضای معماری پویا مطرح شده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به میزان اثرگذاری جنبه‌های مختلف معنایی مجموعه سعدالسلطنه در اهمیت کنونی و هویت خاص نمونه مورد بررسی در مقایسه با سایر فضاهای تاریخی در فضای شهری است.

در این راستا فرض بر آن است که در بازخوانی هویت این مجموعه تاریخی از منظر پدیدارشناسی، علاوه بر کالبد ارزشمند بنا به جهت خلق تجربه حسی غنی، آنچه پویایی و حیات هویت کنونی آن را رقم می‌زند، هماهنگی و قرابت با زمینه‌های اجتماعی مکان و به تبع آن دلالت‌های فرهنگی، برداشت‌های ذهنی و ادراکی مخاطبان از فضا است که جنبه‌های خاص هویت مجموعه را در دلالت‌های ذهنی و مفهومی جستجو می‌کند. با نظر به فرضیه مطرح شده هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش زمینه‌های مفهومی، ذهنی، اجتماعی، فرهنگی - تاریخی مکان در رابطه با تجارب شخصی و ادراکی از کالبد ارزشمند مجموعه تاریخی سعدالسلطنه از منظر پدیدارشناسی، در مسیر بررسی علت پایداری هویت آن در عصر حاضر است.

بدین ترتیب لزوم تفسیر معنا و تحلیل‌های کالبدی و اجتماعی به عنوان شالوده اصلی پژوهش ایفای نقش کرده و با تکیه بر این موارد روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کیفی، با رویکرد پدیدارشناسانه اول شخص و اگزستانسیال به مبانی مرتبط با مکان و به روش توصیفی تحلیلی، با کاربست روش کدگذاری آزاد، محوری و گزینشی انتخاب شده است. نتیجه پژوهش در خوانش پدیدارشناسانه هویت خاص مجموعه سعدالسلطنه نشان از اهمیت ارتباط تعاملی بنا و آمیختگی آن با دلالت‌های ذهنی - رفتاری، فرهنگی و اجتماعی شهروندان دارد که صرف ویژگی‌های عمومی فضاهای تاریخی چون جذابیت‌های بصری و ارزش‌های معماری، در پیوند با خصوصیات معنا‌دار نمونه مورد بررسی و تعامل با تجارب و ادراک مخاطبان فضا، بر هویت خاص مجموعه و ماندگاری آن در خاطره جمعی مردم تأکید داشته است.

واژگان کلیدی

پدیدارشناسی، معناپردازی، هویت‌مندی، تجربه و ادراک حسی از مکان، مجموعه سعدالسلطنه قزوین.

*. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نوشین سخاوت دوست تحت عنوان «طراحی پردیس فرهنگ و هنر و معماری ایرانی با رویکرد پدیدارشناسی و با توجه به دیدگاه نشانه‌شناسی» است که به راهنمایی دکتر فریبا البرزی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین ارائه شده است.
**. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
noushin.sekhavat@yahoo.com

***. استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. نویسنده مسئول faalborzi@yahoo.com

مقدمه

مفهوم مکان و عوامل سازنده آن امری است که در خلال بررسی‌های معناگرایانه و با بررسی لایه‌های مختلف کالبدی، فرهنگی و اجتماعی میسر می‌شود. نوشته حاضر درصدد است با تشریح مبانی رویکرد پدیدارشناسی، در حوزه مکان و انطباق آن با وضعیت کنونی مجموعه تاریخی سعدالسلطنه، ماهیت کنونی این مجموعه را جهت سنجش معیارهای معناگرایانه روش پدیدارشناسی به آزمون گذارد. بدین ترتیب به مدد کاربست این روش در فرآیند خوانش مکان و عوامل ایجادکننده معنا در فضای معماری، لایه‌های پنهان مفهومی و ساختاری فضای معماری به صورتی دقیق تر مشخص می‌شود.

بیان مسئله

در راستای این پژوهش سعی بر آن بوده تا به روش توصیفی تحلیلی از میان مبانی رویکرد پدیدارشناسی مؤلفه‌هایی جهت خوانش مکان در راستای معنا مندی و تطبیق با هویت کنونی در کالبد نمونه‌ای درخور تأمل در رابطه با موضوع پژوهش به گونه‌ای ملموس و کاربردی مطرح و تأثیرگذارترین عوامل در گستره عوامل مفهومی و معنایی معرفی شود تا تأویل دقیق‌تری از ابژه با توجه به متن حضور آن در فضای شهری انجام پذیرد. بدین ترتیب هویت خاص نمونه مورد مطالعه از منظر پدیدارشناسی، بر اساس کیفیت تجربه و ادراک فضا و توجه به ذهنیت مخاطبان نسبت به کالبد بنا و جنبه‌های مفهومی و معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

در مطالعات تاریخی انجام گرفته ظاهر شدن رویکرد پدیدارشناسی در معماری از اواخر دهه هفتاد سده بیستم میلادی به بعد و با ترجمه آثار مارتین هایدگر و گاستون باشلار به حوزه معماری و شهرسازی به عنوان رویکردی توصیفی در گستره تحقیق کیفی، راه یافت (انصاری، ۱۳۹۳: ۵؛ پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۳). مهم‌ترین مقاله هایدگر در این عرصه «ساختن باشیدن اندیشیدن (۱۹۵۱)» است که در آن ساختن را شکل ناب سکونت کردن دانسته و آن را نشانه‌گذاری موقعیت‌ها برای خاطرات انسانی می‌داند (مالگریو و گودمن، ۱۳۹۳: ۱۵۶). بسیاری از پژوهش‌های پیرامون مکان در دهه نود میلادی، مکان را روند تجربه‌ای فضایی و فرهنگی دانسته و بر اهمیت نقش مردم در ساخت مکان تأکید داشته‌اند (اینک (الف)، ۱۳۹۴: ۲۶). رلف در کتاب مکان و بی‌مکانی (۱۹۷۶) به طور مبسوط درباره پدیدارشناسی مکان و باشلار در کتاب بوطیقا فضا به موضوعات محوری چون رابطه تخیل، خاطر و خانه پرداخته است. نوربرگ-شولتز نیز در کتاب روح مکان (۱۹۷۹) عوامل مؤثر بر حس مکان را از منظری

پدیدارشناسانه توصیف می‌کند. دیوید هاروی (۱۹۸۹) در کتاب شرایط پست مدرنیته مکان را سازه‌ای اجتماعی معرفی و لو (۱۹۹۴) مکان را به مثابه «فضایی که به لحاظ فرهنگی با معناست» بیان می‌کند. گوپتا و فرگوسن (۱۹۹۷) معتقدند که پیوستگی مکان، مردم و فرهنگ فرآیندهایی اجتماعی و تاریخی هستند که باید مورد مطالعه قرار گیرند. نظریه الگوی زبان الکساندر (۱۹۷۷) بر مناسبات اجتماعی و آثار هریس (۱۹۹۷)، نوربرگ-شولتز (۱۹۸۰) و ریکورت (۱۹۸۱) مکان را به منزله تجربه‌ای زیست شده مفهوم‌سازی می‌کردند (شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۶؛ پرتوی، ۱۳۸۷: ۲۱۳؛ اینک (ب)، ۱۳۹۴: ۲۷؛ اینک (الف)، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۷). در ارتباط با پژوهش‌های چند دهه اخیر نیز می‌توان به پیتر زومتور بر شاعرانه سخن گفتن از جو فضاها و مصالح، یوهانی پالاسما و نوشتن درباره چشمان پوست (شار، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۷) اشاره کرد. در خصوص پژوهش‌های داخلی در رابطه با پدیدارشناسی مکان‌های تاریخی نیز می‌توان به خوانش میدان نقش جهان اصفهان از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک (انصاری، ۱۳۹۳)؛ پدیدارشناسی هویت بافت تاریخی (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۰)؛ بازیابی سازمان فضایی باغ شهر صفوی قزوین، از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک (نوروزبرازجانی و جوادی، ۱۳۹۵) اشاره داشت. پژوهش‌ها و تئوری‌های مطرح شده در خصوص پیشینه موضوع پدیدارشناسی مکان، بر اهمیت ابعاد ذهنی، تصورات و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی در ادراک عمیق مکان اشاره دارند که به طور کلی شامل طیف گسترده‌ای از موضوعات در خصوص آرایه تصور ذهنی و مفهومی از مکان به معنای اصیل آن در ذهن مخاطب هستند در حالی که پژوهش حاضر در نظر دارد تا مفهوم خاص مکان را در رابطه با تداوم هویت فضایی، آن هم در خصوص فضای تاریخی سعدالسلطنه، با نقشی متمایز از گذشته در فضای شهری بررسی کند و بدین ترتیب تأثیر مؤلفه‌های مکانی را از نقطه نظر مفهومی و در رابطه با ابعاد ذهنی، ادراکی، اجتماعی و فرهنگی مخاطبان در رابطه با هویت خاص مجموعه مورد مذاقه قرار دهد.

بنا به آنچه اشاره شد پژوهش حاضر به خوانش هویت کنونی یک مجموعه تاریخی پرداخته است تا با هدف تطبیق معیارهای شخصی و ذهنی مخاطب و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در زمینه کنونی بنا و حیات امروزی آن تأثیر عوامل مربوطه را در خصوص مواجهه با مکان مورد بررسی قرار دهد.

مبانی نظری

• پدیدارشناسی مکان

با توجه به این که مکان یک پدیده مربوط به تجربه روزمره است بر کلیه مفاهیم و برداشتهای آکادمیک مقدم است.

تمامی حس‌ها پردازد و تصویر انسان از خود را با تجربیات او از جهان پیرامون درهم بیامیزد (پالاسما به نقل از قدس، ۱۳۹۵: ۲۱). در نتیجه فهم یک بنا عبارت است از دیدن آن بنا به نحوی معین. فهمیدن، آماده شدن برای دادن توصیفاتی که تجارب انسان در حضور یک بنا را با هم سازگار می‌کند. چنین فهمی با توجه به میزان توجه، می‌تواند مراتب اعتبار متفاوتی داشته باشد (وینترز به نقل از راس و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۹). با توجه به توضیحات یاد شده می‌توان به محوریت نقش حواس در تجربه اصیل بنا اشاره داشت، بدین ترتیب که هرچه بنا در درگیر کردن حواس آدمی موفق‌تر بوده باشد، بیشتر با او عجین شده و تجربه‌ای به یادماندنی در ذهن خلق می‌کند.

مقوله معنا در معماری

در حوزه معماری فرآیند معنابخشی منوط به ادراک فضای معماری می‌شود. به عقیده هال، شیوه استفاده از فضا تا حد زیادی موضوعی فرهنگی است. در فرهنگ‌های مختلف، احساسات متفاوتی اهمیت دارند. بدین ترتیب، رابطه‌ای ضروری در به‌کارگیری حس‌های مختلف در تعامل و فواصل بین افراد وجود دارد و مردم یک فرهنگ خاص از فضا به شیوه‌ای مشخص استفاده می‌کنند (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۹۲). معنا نقش مهمی در فرآیند ادراک انسان بازی می‌کند. از نظر لینچ معنا در ارتباط متقابل ناظر با شیء به وجود می‌آید. او معتقد است هویت، ساختار، شفافیت، سازگاری و خوانایی از جمله عواملی هستند که معنی مکان را در نظر ناظر شکل می‌دهند (لینچ، ۱۳۷۴ به نقل از انصاری، ۱۳۹۳: ۸۰). در جدول ۱ دیدگاه برخی از صاحب‌نظران در رابطه با مقوله معنا در ادراک مکان بیان شده است:

در واقع معنا و انگاره‌های معنوی آن به سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و همچنین عدم تکیه بر منافع شخصی در نهایت به ارزش‌های جامعه توجه خواهند کرد و موجب ماندگاری مکان خواهند شد (پورجعفر، ۱۳۸۲ به نقل از پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰). در نتیجه معنای فضای شهری به معنی انطباق محیط با توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی است (لینچ، ۱۳۷۶ به نقل از دانش‌پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۱۳۸). معنا پارامتری است که تأکید آن بیش‌تر از فرم ظاهری محیط بر ویژگی‌های ذهنی افراد است؛ در حقیقت کیفیت معنا در رابطه با محیط‌های جمعی، نمی‌تواند به صورت مستقل از عرصه ذهنی، خاطرات و فرهنگ ناظر، فرصت ظهور یابد (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۲). با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که معنابخشی مقوله‌ای مرتبط با ادراک فضا و ادراک امری مرتبط با ذهن و ساختارهای احساسی، فرهنگی و اجتماعی

پدیدارشناسی رویکردی است که پیچیدگی این تجربه را تصدیق می‌کند و هدف آن روشن کردن ابعاد این تجربه بدون تنزل دادن به چند مدل خاص است (رلف، ۱۳۸۹). جدایی ناپذیر بودن از ذهنیت در پدیدارشناسی که از طریق پیوند میان تجارب گذشته و حال فرد، یا تجارب اشخاص دیگر به فرد ایجاد می‌شود از دیگر ویژگی‌های پدیدارشناسی است (Merleau-Ponty, 2012: 21). پدیدارشناسی می‌تواند با استفاده از آگاهی فرد، به ذات موضوع یا (ابژه) برگشته و به فرد در بازگرداندن موضوعات عینی به ذهنی [تصاویر ذهنی] کمک کند (Bachelard, 1994: XIX). "با تکیه بر تعاریف پدیدارشناسانه، می‌توان مدعی خاص بودن ماهیت «مکان» در برابر مفهوم عام‌تر «فضا» شد؛ خاصیتی که ناشی از انتساب معنا، بروز تعاملات اجتماعی، در هم‌تنیدگی با خاطرات و در یک کلام تخصیص هویت به مکان است. از سویی دیگر، با توصیف مکان با مفاهیم امنیت و پایداری، «فضا» در مقابل منصف به باز و رها بودن و عدم ثبات است" (دانش‌پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۱۹۱). بدین ترتیب مکان به عنوان کیفیتی مهم نقش مؤثری در شناسایی هویت جامعه خواهد داشت (Massey, 2001: 10). در نتیجه خاطرات، تعاملات اجتماعی، احساس امنیت، امکان ایجاد تغییر در محیط را فراهم آورده است و جنبه‌های عاطفی نیز از جمله عوامل کیفی هستند که در راستای ارتباط فرد با محیط منجر به تبدیل «فضا» به مکان برای تجربه‌کننده می‌شوند (Mangold cited in Giesecking, et al, 2014: XXVI). با توجه به تعاریف یادشده می‌توان به ارتباط تنگاتنگ و اهمیت پرداختن به ذهنیت مخاطب در حوزه پدیدارشناسی مکان اشاره داشت. امری که در پژوهش حاضر بر اهمیت ذهنیت و کیفیت تجربه مخاطب از محیط جهت بررسی هویت خاص مجموعه صحنه می‌گذارد و بر برداشت‌های ذهنی مخاطب فضا از کالبد آن تأکید می‌ورزد.

تجربه و ادراک حسی از مکان

از منظر پدیدارشناسی در خوانش مکان، آگاهی از مواجهه فرد و تجارب شخصی او از مکان و میزان غنای حسی دریافت شده از آن از مهم‌ترین موارد بررسی خصوصیات کالبدی بناست. بدین ترتیب "ادراک یک تجربه است، یک فرآیند آگاهانه زمانی" (زهاوی، ۱۳۹۲: ۷۹) و ادراک حسی نوعی آگاهی درونی نسبت به کیفیات متعین خود تجربه است. کیفیاتی که احتمالاً در ذهن حضور ثابتی دارند (کارمن و هنسن، ۱۳۹۱: ۸۹). بنابراین راه برقراری ارتباط انسان با جهان از راه احساس است که جهان خود را به او می‌سپارد (مرلوپونتی به نقل از هومن، ۱۳۷۵: ۳۹-۴۰). بدیهی است که معماری ارتقادهنده حیات باید هم‌زمان به

جدول ۱. مؤلفه‌های مرتبط با درک معنای مکان. مأخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	تعریف معنا	ویژگی شاخص	نتیجه
نوربرگ شولتز	معنا کار ویژه ای روانی است، به این همان سازی وابسته و حاکی از «حسی تعلق» است و پایه و اساس یاشیدن را برمی سازد (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۱: ۲۳۵).	- پایه و اساس یاشیدن - تجربه معنادار - بنیادی ترین نیاز انسان	
کاستلر	معنا را «تجربه و خاطره برای مردم می داند» (کاستلر، ۱۳۸۰ به نقل از پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۹).	- تجربه - خاطره - فعالیت	
رایاپورت	معنی را بخشی از فعالیت می داند و از آن به عنوان عملکرد پنهان محیط یاد می کند (رایاپورت، ۱۳۸۴ به نقل از انصاری، ۱۳۹۳: ۸۰).	- عملکرد پنهان محیط	
لینچ	معنی خاصیتی از محیط است که می تواند فرد را به دیگر ابعاد زندگی مرتبط سازد. معنا همراه با هویت و ساختار، یکی از سه زمینه‌ای است که بر اساس آنها تصاویر ذهنی افراد از محیط، قابل تحلیل است؛ بدین ترتیب معنا، سودمندی احساسی یا عملی عناصر محیط است (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۸؛ پاکزاد، ۱۳۸۹: ۹۹).	- ارتباط دهنده فرد - میان جنبه های زندگی - سودمندی احساسی یا عملی	

در واقع هویت مکان به معنی تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست و آنچه باید باشد، است (امین زاده، ۱۳۸۹ به نقل از دانش پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۲۰۰). در جدول ۳ به اختصار عوامل هویت ساز مکانی در رابطه با هویت بناهای تاریخی بررسی شده است. طبق تعاریف مطرح شده در جدول ۳، با توجه به این که هویت مکان در تعامل با مخاطبان آن معنا می یابد، می توان انسان، تجارب، ادراکات و تعلقات فرهنگی، اجتماعی و ذهنی او را که در تعاریف پیشین در حوزه پدیدارشناسی مکان و مقوله معنا در معماری، بدان اشاره شد، در قرابت با موضوع اصلی پژوهش در خصوص پدیدارشناسی هویت مکانی و خوانش ابعاد خاص هویتی آن براساس ساختارهای ذهنی مخاطبان تعریف کرد. براساس جدول ۳ در خصوص ارتباط با تعلقات انسانی و جنبه های اجتماعی، فرهنگی، ذهنی و ادراکی مخاطب فضا با خصوصیات غنی کالبدی مکان تجربه شده و نیز با توجه به مبانی نظری پژوهش حاضر در رابطه با اهمیت برداشت های شخصی مخاطب از فضا در حوزه پدیدارشناسی مکان، تجربه و ادراک حسی و اهمیت ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در توضیحات مرتبط با مقوله معنا در معماری، می توان نمودار ۱ را در بازخوانی هویت مکان تاریخی از منظر پدیدارشناسی، جهت تصمیم گیری اولیه پیرامون مؤلفه های پژوهش در نظر گرفت.

فرد در رابطه با ویژگی های کالبدی فضا است که با جهت دهی به ذهنیت مخاطب زمینه را برای دریافت معنادار مخاطبان از فضا فراهم می کند. جدول ۲ بیان گر این ارتباط است: در نتیجه رابطه تعاملی میان فرهنگ، محیط، کالبد و ذهنیت انسان دیده می شود که در نهایت منجر به تجهیز فضای شهری به ویژگی مکان و ماندگاری آن می شود. جدول ۲ در خصوص ادراک معنای فضا معماری به بیان ارتباط میان سه موضوع محیط، تجربه و درک غنی آن و تأثیر زمینه های ذهنی، فرهنگی و اجتماعی ارایه شده است که در نتیجه آن توجیه همراه ساختن و استفاده از ابعاد اجتماعی و فرهنگی هم راستا با خوانش زمینه های ذهنی، ادراکات حسی و برداشت های شخصی مخاطبان، در دریافت معنادار از فضا در پژوهش حاضر مطرح شده است.

پدیدارشناسی هویت مکان

هویت، تابع فرد، گروه و تصور اجتماعی آن مکان است (رلف، ۱۳۸۹: ۷۳). آنچه مکان را متفاوت کرده و به آن معنی می دهد، معنای هویت کالبدی است (دانش پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۱۳۷). که رابطه مستقیمی با تعامل انسان و مکان دارد (انصاری، ۱۳۹۳: ۸۴). به عبارت دیگر هر عنصر یا پدیده ای که در فضا قرار گیرد، تفکیک شده و هویت مکانی می یابد. این عنصر یا پدیده می تواند خاصیت کالبدی، اجتماعی یا ذهنی داشته باشد (محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

جدول ۲. ارتباط میان فرهنگ، محیط و ادراکات محیطی نزد نظریه پردازان. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی شاخص	دیدگاه	ویژگی شاخص	دیدگاه
حس تعلق و حس مکان در رابطه با اثر معنا و فرهنگ	همراه کردن معنا و فرهنگ با مکان و ایجاد حس تعلق و حس مکان (پرتوی، ۱۳۸۷: ۲۴۱-۲۴۰)	اهمیت رفتار کاربران از فضا	بررسی فضاهای شهری در رابطه با رفتارهای استفاده کنندگان از آن فضاها (بحرینی، ۱۳۸۱ به نقل از محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۵۵)
ارتباط ساختار محیطی با ابعاد کالبدی، ذهنیت و فرهنگ	محیط مهم ترین فرآورده فرهنگ محیط زیست ساختاری مشتمل بر ابعاد کالبدی و ذهنی (براتی، ۱۳۸۲: ۴۵)	ارتباط ویژگی های درونی کاربرد، تاریخ و فرهنگ با هویت مکانی	ویژگی های درونی افراد متأثر از هویت مکانی ریشه در طبیعت، تاریخ و فرهنگ (مجبایی، ۱۳۸۸: ۸۴)
اولویت و تاثیر مولفه های فرهنگی و اجتماعی در شناخت فضا	هم خوانی فضا با عادات و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی - بارشناسی فضا بیشتر متأثر از فرم اجتماعی / فرهنگی تا معماری (پاکزاد، ۱۳۸۹: ۱۴۸)	اهمیت دریافت های ادراکی انسان و زمینه های فرهنگی اجتماعی بر درک مکان	ادراک و انطباق با مکان علاوه بر دریافت ادراکی انسان منتج از زمینه های فرهنگی و اجتماعی (انصاری، ۱۳۹۳: ۸۵)
تاثیر فرهنگ در خلق و کیفیت های خاص فضایی	فرهنگ و فرآورده های ناشی از آن ایجاد کننده خصوصیات خاص در نشانه های هر مکان (مایس، ۱۳۹۰: ۱۸۲)	اهمیت ابعاد اجتماعی در تفسیر فضای ذهنی و واقعی	تلفیق فضای ذهنی و واقعی در بستری اجتماعی (محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۴۰)
بازتاب و ارتباط فرهنگ و اندیشه ذهنی در غالب کالبد بنا	بنا نمودی برای سنجش فرهنگ و طبعه بنا به عنوان جزئی از فرهنگ عینیت بخشی اندیشه ذهنی به واسطه کالبد (گروتز، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۳)	اهمیت فرهنگ و تعلقات انسان در ایجاد نوع در مکان	فرهنگ تبار و پیوند وجود انسانی (هال، ۱۳۸۷: ۲۲۲)، ایجاد کننده تنوع در محیط های انسان ساخت (دانش بیزوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۷۸)
ارتباط زمینه های فرهنگی، سنتی و عوامل طبیعی با فضا	معماری متعلق به فرهنگ و پس زمینه ای از تاریخ، سنت، اقلیم و نیروهای طبیعی (شیبازی، ۱۳۹۵: ۱۰۵)	تاثیر ابعاد فرهنگی بر فرآیند تجربه و ادراک	ادراک و تجربه متأثر از فرهنگ (بایایی، ۱۳۹۲: ۶۹۵)
نقش انسانی فرهنگ در شناخت، تجربه و ادراک	فرهنگ عامل اساسی در شناخت، تجربه و ادراک (Bondi & La Mantia, 2015: 11)	ارتباط تعاملات انسان با محیط در شکل گیری فرهنگ	حرک ماهیت تعاملات انسانی، محیط ساخته شده عامل شکل گیری فرهنگ (Najafi & Kamal Bin Mohd Shariff, 2011: 1104)



"ادراکی - ذهنی و رفتاری"، "فرهنگی" و "اجتماعی" قرار گیرند و شاخص های کلی خوانش هویت خاص مکان را معرفی کنند.

روش انجام تحقیق و بررسی فرضیه پژوهش هدف این پژوهش بررسی ویژگی های معناشناسانه فضای

در نگاه کلی نمودار ۱ بیان گر آن است که هویت خاص فضایی عاملی است که در تعامل با مفهوم اصیل مکان و جنبه های معنادار آن، با در نظر داشتن جنبه های اجتماعی، فرهنگی و ادراکی مکان توسط مخاطب ارتباط دارد.

طبق نمودار ۱، محورهای اصلی بررسی نمونه موردی پژوهش می توانند در سه محدوده موضوعی چون مؤلفه های

جدول ۳. عوامل هویت‌ساز مکانی نزد نظریه‌پردازان مختلف در ارتباط با نمونه موردی. مأخذ: نگارندگان.

نظریه پرداز	عوامل هویت ساز
دلف	عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن، فعالیت‌های مشاهده‌پذیر و کارکردها، مفاهیم یا نمادها (Relph, 1986) به نقل از شکوتی، ۱۳۸۵: ۲۷۵)؛ ظاهر آبیه و مناظر؛ روابط بین جامعه، عقاید و ارزش‌ها (دلف، ۱۳۸۹: ۶۰ و ۴۵)
شولتز	تأثیرگذاری رویدادها و حوادث در بررسی هویت مکان، شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها (Norberg-Schulz, 1981)
هایدگر	فهم افراد، تجربه، ذهنیت (هایدگر به نقل از شار، ۱۳۸۹: ۱۰۴)
لینچ	احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی (دانشپور به نقل از انصاری، ۱۳۹۳: ۸۵)
الکساندر	رویدادهای اتفاق افتاده (الکساندر، ۱۳۸۱: ۵۶)؛ حصول ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط. شناخت و تشخیص عمیق محیط (انصاری، ۱۳۹۳: ۸۵)



رویدادهای مهم

رابطه با شهروندان و تعلق به مکان

را به مکانی خاص تبدیل کرده، شناسایی می‌شود. با این حال به جهت آن‌که شناخت پدیده منوط به تجربه شخصی محقق نباشد از پژوهش پدیدارشناسی اگزیستانسیال جهت تعمیم نتایج پژوهش با واسطه تجارب ویژه افراد و گروه‌ها در نمونه مورد بررسی، استفاده شده است (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۷۰-۱۶۹) تا بدین ترتیب وجه اشتراک تجربه مخاطب در شرایط مشابه در ترکیب با برداشت‌های محقق، به شناخت دقیق‌تر از هویت خاص مجموعه منتهی شود. در تحلیل داده‌ها با توجه به این‌که در تحقیق کیفی حجم وسیعی از اطلاعات مورد نیاز است از روش کدگذاری باز^۲، محوری^۴ و انتخابی^۵ استفاده شده است (گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۱۹۳) تا داده‌های کلیدی منتج از تئوری‌های برداشت شده با در نظر داشتن رویکرد پژوهش، معنمندی و ابعاد خاص هویت نمونه مورد بررسی را مشخص کنند. در پژوهش حاضر گردآوری داده‌ها از مطالعه اسناد و کتب و با ابزارهای مشاهده، عکس و فیلم جهت تطبیق الگوهای معنایی و مفهومی منتج از مبانی نظری پژوهش با نمونه مورد مطالعه و نیز رفتار کاربران فضا استفاده شده است. سعی بر آن بوده تا تئوری‌های استفاده شده با ارجاع به ویژگی‌های معنادار در کالبد نمونه‌ای درخور تامل به گونه‌ای ملموس و کاربردی مطرح شود.

معرفی و بررسی نمونه موردی

مکان‌های سنتی دارای نشانه‌های معناداری هستند که ریشه در فرهنگ و اجتماع دارند. این مکان‌ها به‌عنوان قلب تپنده شهر محسوب شده که باعث تعاملات اجتماعی، افزایش حس تعلق، حس خاطره‌انگیزی و ارتقا هویت به‌عنوان فضاهای سرزنده و پویا می‌شوند (دانش پژوه و مدیری، ۱۳۹۳: ۲۰۵).



نمودار ۱. محدوده بررسی هویت خاص فضایی براساس مبانی نظری پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

تاریخی در قالب نمونه مورد بررسی و خوانش هویت خاص آن در برداشت‌های مخاطبان فضا است. بدین ترتیب پژوهش حاضر از نظر محتوا، کیفی است که با روش توصیفی تحلیلی و با در پیش گرفتن نگرشی تحلیلی، با رویکرد پدیدارشناسانه اول شخص^۱ و اگزیستانسیال^۲ به بررسی ابعاد خاص هویت مجموعه پرداخته است. در بررسی پدیدارشناسانه اول شخص، تجربه دست‌اول محقق پایه ویژگی‌های خاص نمونه مورد بررسی است که با قدم زدن در آن مکان، نگاه کردن، نوشتن و نظایر آن، کیفیات انسانی، محیطی و معمارانه‌ای که مکان

کدهای حاصل از مرحله کدگذاری باز و محوری در کدگذاری گزینشی، براساس ارتباط با موضوع اصلی پژوهش و بیان ابعاد خاص هویت فضایی از منظر ذهنی، فرهنگی و اجتماعی، خلاصه شده و به صورت تکامل یافته مطرح می‌شوند. حال با استفاده از کدهای گزینشی و مشاهدات و یادداشت‌های محقق و رفتار شهروندان در رویکرد پدیدارشناسی اول شخص و اگزستانسیال در فضای نمونه مورد بررسی، مؤلفه‌های نهایی پژوهش در جدول ۵ در راستای تأثیر زمینه‌های اجتماعی فرهنگی و ذهنی در آفرینش هویت خاص نمونه مورد معرفی شده‌اند. بدین ترتیب که در مرحله نخست و در کدگذاری باز، کدهای مربوط به تعاریف پایه‌ای مطرح در مبانی نظری در سه حوزه پدیدارشناسی مکان، مقوله معنماندی فضای معماری و پدیدارشناسی هویت مکان به صورت آزادانه انتخاب شده‌اند و سپس در مرحله کدگذاری محوری، برپایه شباهت و تفاوت میان کدها و زمینه بروز آنها، مؤلفه‌های مرحله قبل براساس مفهوم هریک، در سه دسته کلی جنبه‌های ذهنی- رفتاری، فرهنگی و اجتماعی جای گرفته و به صورت خلاصه نسبت به مرحله قبل معرفی می‌شوند. در انجام کدگذاری گزینشی، کدهای محوری در راستای تکمیل هدف پژوهش به صورتی کلی و با در نظر داشتن طیف وسیعی از موضوعات در بطن خود، به صورت کلیدی گردآوری و جهت جمع‌بندی ساختار تئوری پژوهش ارایه می‌شوند. به دلیل انطباق تئوری‌های به دست آمده با نمونه مورد بررسی، در رویکرد پدیدارشناسانه اول شخص و اگزستانسیال، توضیحاتی بر مبنای برداشت‌ها، مشاهدات و ثبت رفتار مخاطبان و وقایع با اهمیت در محل نمونه مورد بررسی آورده شده است که در نهایت در تطبیق با کدهای گزینشی به دست آمده، مؤلفه‌های معنا بخش مجموعه در راستای ابعاد مفهومی فضا و جنبه‌های ذهنی، فرهنگی و اجتماعی آن جهت خوانش هویت خاص این مجموعه تاریخی معرفی شده‌اند.

یافته‌ها

مجموعه تاریخی سعدالسلطنه به جهت تعامل میان ظاهر (ویژگی‌های کالبدی) و باطن خود (مؤلفه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی) گام در جهت تقویت ایجاد تصاویر ذهنی غنی در ذهن مخاطب داشته است. طبق فرضیه پژوهش در معرفی هویت خاص و منحصر به فرد این مجموعه، هماهنگی با ذهنیت مخاطبان و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاص بنا در نقش کنونی خود در فضای شهری نقش مؤثری ایفا می‌کنند، لذا با رجوع به مدل مفهومی پژوهش و کدهای نهایی به دست آمده که همگی بر محوریت مؤلفه‌های ذهنی، مفهومی، فرهنگی و اجتماعی در تحقق هویت خاص به نمونه

مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین در حال حاضر علاوه بر داشتن جایگاهی ممتاز به جهت ویژگی‌های خاص معماری، در حکم فضای شهری پویا به حیات خود ادامه داده است و به جهت ارتباط با هویت تاریخی مخاطب خود، حضور در زندگی اجتماعی و حافظه فرهنگی و دارا بودن کارکردی زیبایی‌شناختی به واسطه معماری شاخص، به عنوان عنصر شهری واجد اهمیت مطرح شده است. مجموعه سعدالسلطنه با کاربری پیشین کاروانسرا کامل‌ترین و بزرگ‌ترین کاروانسرای درون شهری ایران است که دارای سراها، بارانداز، انبارها، حیاط‌های متعدد، شترخان، راسته بازار، حمام و چهارسوق است و در شرق بازار قزوین و در خیابان امام خمینی واقع شده است (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین، ۱۳۹۵). این مجموعه با مساحت ۲۲ هزار مترمربع توسط آقا باقر سعدالسلطنه اصفهانی حاکم وقت شهر قزوین در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در سال (۱۳۱۲ ه.ق) به بهره‌برداری رسیده است (مجابی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). در جدول ۴ بخش‌های مختلف این مجموعه تاریخی معرفی شده است.

بیان فرضیه و مدل مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر فرض بر آن است که در بازخوانی هویت مجموعه تاریخی سعدالسلطنه از منظر پدیدارشناسی، علاوه بر کالبد ارزشمند بنا به جهت خلق تجربه حسی غنی، آنچه پویایی و حیات هویت کنونی آن را رقم می‌زند، هماهنگی و قرابت با زمینه‌های اجتماعی مکان و به تبع آن دلالت‌های فرهنگی، برداشت‌های ذهنی و ادراکی مخاطبان از فضا است که جنبه‌های خاص هویت مجموعه را در دلالت‌های ذهنی و مفهومی جستجو می‌کند. با توجه به فرضیه مطرح شده در خصوص اهمیت قرابت و توجه مفهوم مکان به زمینه‌های ذهنی، اجتماعی و فرهنگی در کنار تجربه غنی مخاطب از مکان با کاربست روش تحقیق معرفی شده و استفاده از رویکرد پدیدارشناسی اول شخص و اگزستانسیال در محل نمونه مورد بررسی و نیز کاربرد روش کدگذاری در تحلیل داده‌ها، در این قسمت مؤلفه‌های مورد بررسی در راستای تطبیق مطالعات نظری و مشاهدات با نمونه مورد بررسی معرفی شده‌اند. در راستای استنتاج و دستیابی به مؤلفه‌های اصلی تحقیق، پس از جمع‌آوری اطلاعات در چارچوب نظری پژوهش، ابتدا به روش کدگذاری باز، داده‌ها به صورت آزادانه به بخش‌های مجزا تفکیک شده تا شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها مشخص شود. سپس در مرحله کدگذاری محوری، کدهای باز در ترکیبی جدید بر پایه شباهت‌ها و تفاوت‌ها و در نظر داشتن شرایط و زمینه بروز کدها، به هم متصل و مرتبط می‌شوند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۹۸؛ ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۳)؛ (جدول ۵).

جدول ۴. معرفی و بررسی موقعیت مجموعه تاریخی سعدالسلطنه در شهر قزوین. مأخذ: نگارندگان.



موردی اشاره داشته‌اند، یافته‌های تحقیق و بررسی فرضیه پژوهش در شرایط کنونی نمونه مورد مطالعه در جدول ۶ ارایه می‌شوند. طبق جدول ۶، که براساس کدهای گزینشی و روش پدیدارشناسانه اول شخص و اگزیستانسیال در راستای انطباق با ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه صورت گرفته است می‌توان چنین عنوان کرد که خوانش هویت خاص مجموعه تاریخی سعدالسلطنه در نگرش پدیدارشناسانه به آن، در گرو توجه و اهمیت به آن دسته از خصوصیات کالبدی، عملکردی و معنایی مجموعه است که توسط ذهنیت و تجربه مخاطبان با ادراک آنان و مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی پیوند یافته‌است. مؤلفه‌هایی که هویت خاص مجموعه را در معرفی آن به عنوان "فضای تجربی"، ادراکی، اجتماعی و عمومی، غنی و مرتبط با واکنش و احساس مخاطبان، دارای احساسی از تعلق و وابستگی شهروندان و آشنا و ماندگار در ذهن آنان و نیز در هماهنگی با زمینه و مجهز به رویدادها و فعالیت‌های معنادار" معرفی می‌کنند.

بحث

نتایج حاصل از مطالعه انجام شده در نگرش پدیدارشناسانه

نتیجه‌گیری

با نظر به بررسی معناشناسانه در خصوص هویت خاص فضاهای تاریخی، با رویکردی پدیدارشناسانه به مسئله هویت مکانی، همبستگی و رابطه تعاملی میان هویت خاص فضاهای تاریخی، غنای حسی ناشی از تجربه آن و هماهنگ‌سازی و انطباق مکان با شرایط و بستر ذهنی- رفتاری، اجتماعی و فرهنگی دیده می‌شود. مسیر پژوهش حاضر بر این مبناست که طبق فرض پژوهش هماهنگی و قرابت با زمینه‌های اجتماعی مکان و به تبع آن دلالت‌های فرهنگی، برداشت‌های ذهنی و ادراکی مخاطبان از فضا را به عنوان مؤلفه‌های اصلی در هویت خاص مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین معرفی کند و بدین ترتیب نقش ویژه این مجموعه را در حکم فضای شهری پویا متأثر از دلالت‌های ذهنی، فرهنگی و اجتماعی صرف کالبد ارزشمند و خصوصیات کلی مجموعه در غالب هویت عمومی آن مطرح نماید. بدین ترتیب با در نظر داشتن نمونه مورد مطالعه به عنوان فضای شهری، مؤلفه‌های انتخابی در هماهنگی با وضعیت کنونی مجموعه سعدالسلطنه و از منظر ذهنی و ادراکی نزد شهروندان قابل ارزیابی خواهند بود.

طبق تحلیل کدگذاری باز، محوری و گزینشی به کار رفته و رویکرد پدیدارشناسی تحقیق حاضر در تطبیق با مشاهدات و رفتارهای مخاطبان فضا، نمونه مورد بررسی این پژوهش در نقش کنونی خود به عنوان فضای شهری با اهمیت، به جهت ویژگی‌های خاصی چون "فضای تجربی، تنوع ادراکی، تعلق، وابستگی و تمایل به تجربه، آشنایی ذهنی و ماندگاری، فضای رویدادها، فضای اجتماعی، عمومی و واکنش برانگیز، درهماهنگی با زمینه و دارای غنای احساسی و کیفیت فعالیت‌ها" که از یافته‌های تحقیق در انطباق با نمونه موردی حاصل شده است، می‌توان هویت خاص مجموعه تاریخی سعدالسلطنه در فضای شهری را براساس فرض پژوهش منکی بر ابعاد خاصی از فضای نمونه مورد بررسی و قابل تعمیم و نشأت گرفته از دلالت‌های ذهنی، فرهنگی و اجتماعی دانست که هم‌راستا با تجارب حسی معنادار و غنی از کالبد بنا، در بخشیدن هویت خاص به مکان و استمرار حیات معنایی آن نقشی تأثیرگذار ایفا می‌کنند (نمودار ۲).

در نتیجه مجموعه تاریخی سعدالسلطنه در انتقال گذشته تاریخی خود به شهروندان- در قالب کالبد معماری- به همراه پذیرش تجارب زیستی و فرهنگی آنان و عجین شدن با زندگی شهروندان قرار دارد. بدین ترتیب علاوه بر کارکرد معمارانه خود، در پی تحولات معنایی رخ داده در نحوه عملکرد آن در فضای شهری مانند پذیرش حضور شهروندان و آمیختگی با رویدادها و زندگی روزانه آنان، از معنای کالبدی خود فراتر رفته و در برخورد با دلالت‌های ذهنی- رفتاری، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی به معنایی درخور تامل و توجه در مسیر دستیابی به هویتی پویا دست یافته‌است.



نمودار ۲. عوامل تأثیرگذار بر هویت خاص مجموعه تاریخی سعدالسلطنه. ماخذ: نگارندگان.

جدول ۶. بررسی مؤلفه‌های رویکرد پژوهش در مجموعه سعدالسلطنه. مأخذ: نگارندگان.

مصادق در نمونه موردی	مؤلفه‌ها
 <p>تمایل به تجربه فضا</p>	<p>فضای تجربی</p> <p>- تمایل مخاطبان فضا به گردش در مجموعه و کشف بخش‌های مختلف آن به جهت تنوع در سیر کولاسیون حرکتی و مسیرها - تکرار فضاهای بسته و باز (سراها و حیاط‌های مرکزی مرتبط با هر سرا) - وجود کاربری‌های فرهنگی هنری و تفریحی در قسمت‌های مختلف</p>
 <p>تجربه حسی- ادراکی</p>	<p>تنوع ادراکی در تجربه</p> <p>تجربه فضایی غنی به واسطه حواس پنج‌گانه در کاربرد خاص مصالح و ویژگی‌های هر یک در خلق احساس متفاوت در مخاطب به لحاظ جنس، رنگ، فرم و ... ارتباط با طبیعت و تنوع کاربری‌های قدیمی و اصیل چون کارگاه نجاری، قالی‌بافی و ...</p>
 <p>تمایل مخاطبان به حضور و گذارن اوقات فراغت در مجموعه</p>	<p>تعلق، وابستگی، تمایل به تجربه</p> <p>مشاهده احساس تعلق شهروندان و مخاطبان به فضا به واسطه: - حضور مطمئن آنان به مثابه تجربه فضایی آشنا - تمایل و راحتی در رفتار تجربه‌کنندگان جهت شناخت بخش‌های مختلف مجموعه - تمایل به ماندن در فضا و سپری کردن مدت زمانی طولانی از اوقات فراغت خود در ساعات مختلف روز در مجموعه</p>
 <p>عصری آشنا در ذهن شهروندان</p>	<p>آشنایی ذهنی و ماندگاری</p> <p>- مطرح شدن مجموعه به عنوان نشانه شهری در ذهن مخاطبان و ماندگاری آن - احیای تصویر ذهنی پیشین فضا در ذهن مخاطبان آن - تبدیل شدن به عنصر آشنا در فضای شهری برای بازدید و حضور گردشگران</p>
 <p>استقبال شهروندان از مراسم روز قزوین (URL3)</p> <p>استقبال شهروندان از مراسم روز قزوین (URL1)</p>	<p>فضای رویدادها</p> <p>استقبال مردم از مجموعه در رویدادهای ملی، آیینی و منطقه‌ای برگزار شده (یلدا، مراسم نوروز، مراسم روز قزوین و ...) در مجموعه سعدالسلطنه و حضور پرشور شهروندان به واسطه درک قرابت میان این قبیل رویدادها و فضای برگزاری آنها</p>
 <p>برخوردها و تعاملات اجتماعی برای تمامی اقشار جامعه</p>	<p>فضای اجتماعی</p> <p>- تعاملات اجتماعی - تجمع افراد و گروه‌ها - برخوردها و ملاقات‌های دوستانه</p>
<p>برخوردها و تعاملات اجتماعی برای تمامی اقشار جامعه</p>	<p>فضایی عمومی</p> <p>پذیرش ساده اقشار مخالف جامعه (شهروندان بومی، گردشگران، دانشجویان، هنرمندان و ...)</p>

		<p>قابلیت مجموعه در همراه ساختن و جهت دهی رفتار مخاطبان براساس مفاهیم کالبدی ویژه خود مشاهده حرکت مستمر در فضای راسته‌ها، درنگ و تمایل به توقف مخاطبان در فضای چهارسوق‌ها و نیز حیاط‌های مرکزی مجموعه</p>	<p>فضای واکنش برانگیز</p>	
<p>تعریف سلسله مراتب حرکتی به واسطه نورگیرهای سقف</p>		<p>تعریف سلسله مراتب حرکتی و جهت‌دهی به مسیر نگاه مخاطبان به واسطه نورگیرهای سقف و کف و راهروهای منتهی به فضاهای باز تمایل به جستجو و کشف بخش‌های مختلف به جهت مشخص نبودن انتهای مسیرها و تکرار فضاهای باز و بسته در کنار هم</p>	<p>فضایی هماهنگ با زمینه</p>	
		<p>عملکردی و رای فضای تاریخی صرف به جهت هماهنگی مجموعه با زمینه اطراف خود (مجموعه بازار و بافت تاریخی شهر) و قرارگیری کاربری‌های متنوع در رابطه با بازار و گذری قابل دسترس از مجموعه سعدالسلطنه به محدوده بازار، سراهای آن و خیابان‌های اطراف و به تبع آن حضور شهروندان و بومیایی مجموعه</p>	<p>فضایی دارای غنای احساسی</p>	
<p>گذری قابل دسترس از مجموعه سعدالسلطنه به محدوده بازار</p>		<p>سرزندگی به واسطه مشاهده حضور گروه‌های سنی مختلف، کودکان، جوانان، سالمندان آرامش فضایی و دوری از هرج و مرج به واسطه ارتباط فضایی منطقی میان فضای باز و بسته</p>	<p>فضایی مجهز به کیفیت فعالیت‌ها</p>	
		<p>مشاهده فعالیت‌های اختیاری گوناگون به جهت قابلیت‌های عملکردی مجموعه: (فعالیت هنری و کارگاه‌های ساخت صنایع دستی، استراحت، بازدید از بخش‌های مختلف مجموعه و موزه و گالری آن، گردش و ...)</p>		
<p>حضور گروه‌های سنی مختلف</p>				
<p>مشاهده فعالیت‌های مختلف</p>		<p>(URL1)</p>		

پی‌نوشت‌ها

۱. بررسی پدیدارشناسانه اول شخص، برپایه تماس و تجربه مستقیم محقق با پدیده (مکان) حاصل می‌شود (Seamon, 2000: 163). محقق سعی دارد از طریق قدم زدن در مکان، نگاه کردن، نوشتن، اسکیس کشیدن و نظایر آن، کیفیات انسانی، محیطی و معمارانه‌ای که آن مکان را به مکانی خاص و ویژه تبدیل کرده، شناسایی کند (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۷۰-۱۶۹).
۲. در بررسی پدیدارشناسانه آگزیستانسیال، بیان وجوه مشترک تجربه افراد و گروه‌ها در شرایط و موقعیت‌های واقعی و مشابه پایه تعمیم قرار می‌گیرد (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).
۳. روش تحلیل پژوهش حاضر براساس سه روش کدگذاری آزاد، محوری و گزینشی استراس و کوربین انجام گرفته است. در کدگذاری آزاد داده‌ها به بخش‌های مجزایی تفکیک شده و به طور دقیق ارزیابی می‌شوند تا شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مشخص گردد. به طور خلاصه می‌توان گفت این مرحله، مرحله خرد کردن، تحلیل، مقایسه و مقوله‌بندی داده‌هاست (استراس و کوربین به نقل از ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۳؛ عباس‌زاده و حسین پور، ۱۳۹۰: ۱۵۶).
۴. در کدگذاری محوری مفاهیمی که در کدگذاری آزاد تجزیه شده‌اند در ترکیبی جدید به یکدیگر متصل می‌شوند. همچنین مشخص می‌شود که چگونه یک مقوله واحد با مقولات دیگر مرتبط است و بدین ترتیب شرایط و زمینه بروز مقوله نیز مد نظر قرار می‌گیرد (استراس و کوربین به نقل از ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۳؛ استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۹۸).
۵. در کدگذاری گزینشی مقولاتی که برای ساختن چارچوب نظری اولیه تنظیم شده‌اند، با یکدیگر ترکیب می‌شوند و بر این اساس ساخت پایه‌های نظریه زمینه‌ای براساس ارتباط مقولات متعدد با مقوله اصلی و مرکزی حاصل می‌شود (ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۳؛ عباس‌زاده و حسین پور، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

فهرست مراجع

- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. ۱۳۹۰. اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ت: محمدی، بیوک. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۱. معماری و راز جاودانگی. ت: قیومی بیدهندی، مهرداد. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- انصاری، مائده. ۱۳۹۳. پدیدارشناسی هرمنوتیک مکان. آبادان: نشر پرسش.
- اینگ(الف)، ورونیکا. ۱۳۹۴. بازنگری نقادانه‌ای بر سرشت پیچیده مکان. ت: ویدا نوروز برازجانی، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، ۱۰(۵): ۲۳-۲۹.
- اینگ(ب)، ورونیکا. ۱۳۹۴. بازنگری نقادانه‌ای بر سرشت پیچیده مکان. ت: ویدا نوروز برازجانی، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، ۱۰(۶): ۲۷-۳۳.
- بابایی، پرویز. ۱۳۹۲. مکتب‌های فلسفی: از دوران باستان تا امروز. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- براتی، ناصر. ۱۳۸۲. زبان، تفکر و فضا. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۹. مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
- پالاسما، یوهانی. ۱۳۹۵. چشمان پوست؛ معماری و ادراک حسی. ت: قدس، رامین. تهران: پرهام نقش.
- پرتوی، پروین. ۱۳۸۷. پدیدارشناسی مکان. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- پورجعفر، محمدرضا و دیگران. ۱۳۸۷. بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان نمونه موردی: روستای هورامان تحت کردستان. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۸(۱۲۵): ۱۷-۲۰.
- دانش‌پژوه، حمید و مدیری، الیاس. ۱۳۹۳. هویت، مکان و مکان‌سازی. تهران: آذرخش.
- ذکایی، محمد سعید. ۱۳۸۱. نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، ۹(۱۷): ۴۱-۶۹.
- راس، کلی‌ال و دیگران. ۱۳۸۴. مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادراک فضا. ت: ارباب جلفایی، آرش. اصفهان: نشر خاک.
- رلف، ادوارد. ۱۳۸۹. مکان و بی‌مکان. ت: نقصان محمدی، محمدرضا و دیگران، تهران: آرمانشهر.
- زهاوی، دن. ۱۳۹۲. پدیدارشناسی هوسرل. ت: صاحبکار، مهدی و واقفی، ایمان. تهران: روزبهان.
- آرشو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین. ۱۳۹۵.
- شار، آدام. ۱۳۸۹. هایدگر برای معماران. ت: احمدی‌نژاد، روزبه. تهران: طحان.
- شکوئی، حسین. ۱۳۸۵. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱. تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- شیرازی، محمدرضا. ۱۳۹۵. شعرفضا. تهران: کتاب فکر نو.
- شیرازی، محمدرضا. ۱۳۸۹. پدیدارشناسی در عمل؛ آموختن از تحلیل پدیدارشناختی پالاسما از ویلا مایرآ. دو فصلنامه علمی پژوهشی آرمانشهر، ۳(۴): ۱۳۲-۱۲۵.
- عباس‌زاده، محمد و حسین‌پور، ابراهیم. ۱۳۹۰. کاربرد تثلیث در پژوهش‌های کیفی (با تأکید بر رویکرد نظریه زمینه‌ای). فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۷(۶۷): ۱۶۶-۱۴۷.
- کارمن، تیلر و هسنن، مارک بی. ان. ۱۳۹۱. مرلو-پونتی: ستایشگر فلسفه. ت: هانیه یاسری. تهران: ققنوس.
- گروتز، یورگ کورت. ۱۳۸۸. زیبایی‌شناسی در معماری. ت: پاکزاد، جهان‌شاه و همایون، عبدالرضا. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. ۱۳۸۶. روش‌های تحقیق در معماری. ت: علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لیتل جان، استیفن. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. ت: نوربخش، سید مرتضی و میرحسینی، سید اکبر. تهران: جنگل.
- مالگریو، هری فرانسیس و گودمن، دیوید. ۱۳۹۳. مقدمه‌ای بر نظریه‌های معماری (از سال ۱۹۶۸ تا امروز). ت: آزادارمکی، مرضیه. تهران: نشر علم.
- مایس، پی‌یرفون. ۱۳۹۰. نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان. ت: آیوازیان، سیمون. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجابی، سید مهدی. ۱۳۸۸. در جستجوی هویت شهری قزوین. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- محمدرزاده، محمد نادر. ۱۳۸۵. یادگار ماندگار. قزوین: اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان قزوین.
- محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۸). فضا و مکان در طراحی شهری. تهران: هله: طحان.
- مرلوپونتی، موریس. ۱۳۷۵. در ستایش فلسفه. ت: ستاره هومن. تهران: نشر مرکز.
- نوربرگ-شولتز، کریستین. ۱۳۹۱. روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری. ت: محمدرضا شیرازی. تهران: رخ‌داد نو.
- هال، ادوارد توپجل. ۱۳۸۷. بعد پنهان. ت: منوچهر طیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورجعفر، محمدرضا و دیگران. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۱(۳): ۲۰-۱۱.
- نوروزبرازجانی، ویدا و جوادی، محمدرضا. ۱۳۹۵. بازیابی سازمان فضایی باغ شهر صفوی قزوین، از منظر پدیدارشناسی هرمنوتیک. تهران: شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران.
- راس، کلی‌ال و دیگران. ۱۳۸۴. مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادراک فضا. ت: ارباب جلفایی، آرش. اصفهان: نشر خاک.

- Bachelard, G. (1994). *The poetics of space*. Translation from the French by Jolas, M. With a new Foreword by Stilgoe, J. R. Boston: Beacon Press.

- Bondi, A. & La Mantia, F. (2015). Phenomenology and semiotics: crossing perspectives. *Metodo. International Studies in Phenomenology and Philosophy*, 3(1):7-18.
- Gieseeking, J., W. Mangold, C. Katz, S. Low, and S. Saegert (eds.). (2014). *The People, Place, and Space Reader*. New York & London: Routledge.
- Massey, D. (2001). *Space, Place, and Gender*. Minnesota: University of Minnesota Press.
- Merleau-Ponty, M. (2012). *Phenomenology of Perception*. Translation by Landes, D. A. New York & London: Routledge.
- Najafi, M. & Kamal Bin Mohd Shariff, M. (2011). The Concept of Place and Sense of Place In Architectural Studies. *International Journal of Social, Behavioral, Educational, Economic, Business and Industrial Engineering*, (56):1100-1106.
- Norberg-Schulz, C. (1981). *Genius loci*. New York: Rizzoli.
- Seamon, D. (2000). *A way of seeing people and place: Phenomenology in environment-behavior research*. New York: plenum press publisher.
- Pourjafar, M.R et al. (2011). Phenomenology of identity and place in historical context. *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 1(3) :11-20.
- Norouz Borazjani, V. & Javadi, M. R. (2017). *A hermeneutic-phenomenological approach to the discovery of the spatial organization of the Safavid garden city of Qazvin*. Tehran: Yadavaran international Research & publication co



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/bagh.2018.60565

URL: http://www.bagh-sj.com/article_60565.html

